



## دائرة المعارف نویسی با نگاهی به جواهرالعلوم هما یونی در هند

○ دکتر شوکت نهال انصاری

دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره

ادبیات عربی و فارسی در آسیای مرکزی غربی به چند شاخه منشعب می‌گردد. یک قسم از آن دائرة المعارف است. اصطلاح دائرة المعارف اصلاً از لفظ یونانی Enkliopaidia مأخوذ است.

دائرة المعارف کتابی مشتمل بر علوم متداوله یا علم کامل درباره موضوع مخصوصه می‌باشد. این اطلاعات با سابقه تاریخی آنها با حروف تهجی ذکر می‌شوند. دائرة المعارف در جلدهای متعددی مشتمل می‌باشد. مانند دائرة المعارف چینی که در قرن هجدهم (۱۷۳۸) میلادی به چاپ رسیده است. دیگر دائرة المعارف‌ها در سراسر عالم - مانند امریکا، اروپا، روس، ایتالیه در ممالک عرب و ایران و در کشور هند - منتشر شده است.

در قاره اروپا اولین دائرة المعارف به زبان فرانسه در قرن هجدهم میلادی تألیف شده. دائرة المعارف بریتانیا، چاپ اول آن در سه جلد در ایدنبرگ و چاپ دوم آن ده جلد در قرن هجدهم (۸۴-۱۷۷۷) میلادی به چاپ رسیده است. دائرة المعارف امریکایی در قرن نوزدهم (۳۳-۱۸۲۹) میلادی چاپ شده است. در کشورهای عربیه دو نوع از دائرة المعارف نگاشته شدند، یکی اطلاعات درست برای علما و دیگر برای مأموران دولتی. اول دائرة المعارف که به عربی زبان نوشته شد کتاب عیون الاخبار از

این قتیبه که در قرن نهم میلادی نوشته شده، دیگری عقدالفرید از ابن عبدالرّه که دانشور قرطبه بود. این کتاب اصلاً ضمیمه عیون الاخبار است.

۳ احصاء العلوم از ابونصر فارابی در قرن دهم میلادی.

۴ رسایل اخوان الصفا نویسنده آن نامعلوم است. در قرن دهم در بصره تألیف شده و مشتمل بر پنجاه و دو (۵۲) رساله و ترجمه فارسی آن در قرن نوزدهم در بمبئی چاپ شده است.

۵ کتاب الشفاء از ابن سینا در قرن دهم نوشته شده است.

۶ مفاتیح العلوم از ابو عبدالله الخوارزمی در قرن دهم (۴) نوشته شده و در قرن بیستم در قاهره به چاپ رسیده است.

۷ اوشادالقاصد الی اسنی المقاصد از محمد بن ابراهیم الانصاری.

۸ نهایة الارب فی فنون الادب از نوبری مورخ مصری که در قرن سیزدهم میلادی در عهد ممالیک تألیف شده و چاپ کامل آن در قرن بیستم میلادی (۱۳۳۲-۱۲۷۲ هـ) انجام گرفته است.

همین طور به زبان فارسی هم چند دائرة المعارف تألیف شد و مهم ترین آنها حدایق الانوار فی حقایق الاسرار از امام فخرالدین رازی است که در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی نوشته شده. درة التاج فی غرة الدباج از قطب الدین شیرازی در قرن چهاردهم میلادی. و نفایس الفنون فی عرایس العیون از شمس الدین محمد بن محمود الاملی در قرن چهاردهم.

در کشور هند هم چند دائرة المعارف به زبان فارسی تألیف شد. اول و مهم ترین آنها جواهرالعلوم همایونی از محمد فاضل السمرقندی در قرن شانزدهم در عهد همایون پسر بابر نوشته شده.

دیگری شاهد صادق از محمد صادق اصفهانی که در عهد شاهجهان قاضی بنگال بوده در قرن هفدهم میلادی تألیف شده.

عقول عشره از محمد براری در قرن هفدهم میلادی.

جامع بهادر خانی از غلام حسین جونپوری در قرن نوزدهم میلادی تألیف شده. مطلع العلوم و مجمع الفنون از حکیم واجد علی خان که نیز در قرن نوزدهم میلادی تألیف شده.

اما جواهرالعلوم همایونی مهم ترین آنها به شمار می رود و همین دائرة المعارف موضوع مقاله بنده است. جواهرالعلوم همایونی یکی از حجیم ترین دائرة المعارف ها و یک نسخه آن مشتمل است بر هزار و ششصد و بیست و هشت (۱۶۲۸) صفحه، و متضمن علوم متداوله در عهد همایونی. در این کتاب نویسنده درباره همه مبادیات و ارتقا و ترویج و اقسام علوم توضیح داده است. از مطالعه کتاب مهارت نویسنده در این علوم واضح می شود. اما درباره مصنف اطلاعات زیادی در دست نیست. فقط از مقدمه کتاب معلوم می شود که اسم مصنف محمد فاضل و اسم پدرش علی و اسم پدر بزرگ وی محمد بود. سال ولادت و سال وفات او معلوم نیست، اما در آن عهد که مصنف چشم به جهان گشوده سمرقند مرکز علم و ادب بود و در مدرسه های آن به اشاعت و نشر علم و حکمت سرگرم بودند. مانند مدرسه بناکرده الغ بیگ که خیلی معروف بود و آن وقت رئیس مدرسه قاضی زاده رومی بود. اطلاع نیست که خود نویسنده نامبرده مهاجرت به کشور هند نموده یا پدرش نیز به هند آمده در آن هنگام همایون سلطان بود. همایون خود شاعری صاحب دیوان و دانشور و آشنا با علم ریاضی و نجوم و هیئت بوده و فرهنگ و ادب فارسی را شعار دربار خود قرار داده در آنجا مجالس علمی برپا می کرد و در آن مجالس خصوصاً کتاب درة التاج محل مناظره و مباحثه واقع می شد. به دلیل آوازه علم دوستی و علما نوازی آن پادشاه گروهی از شاعران و عالمان و هنرمندان به جانب کشور هند روانه شدند.

به احتمال قوی مصنف جواهرالعلوم یا پدر وی نیز از ایران به هندوستان مهاجرت کردند. به هر حال نویسنده (محمد فاضل) این کتاب حجیم را به موجب خواهش همایون

تحریر نموده و به همین پادشاه تقدیم و به اسم او موسوم گردانید. خود نویسنده در مقدمه کتاب اعتراف نموده است که موجب تألیف این کتاب اصلاً دو کتاب قدیمی بوده یکی حدائق الانوار فی حقایق الاسرار و دیگری نفایس الفنون فی عرایس العیون نویسنده نامبرده در این کتاب جمله علوم را در یکصد و بیست شاخه منقسم گردانیده است و هر باب آن به قدری مبسوط است که می توان به صورت کتابی مستقل در آورد.

مصنّف از کتاب حدائق الانوار پیروی نموده است چون در حدائق الانوار شصت باب دارد لذا مصنّف در جواهرالعلوم همایونی ابواب را دو برابر آن یعنی یکصد و بیست باب نموده و به این ابواب یک مقدمه و یک خاتمه افزوده است. ابواب در سه مقاله منقسم گردیده و هر مقاله دو قسمت دارد و آن را «قسم» نامیده است. هر «قسم» مشتمل است بر ابواب متعدّد - از دوازده باب تاسی و دو باب - در هر باب مصنّف به عنوان یک دانشور اسلامی موضوعات ادبی و تاریخی و مذهبی مورد نظر را به بحث نهاده است از این معلومات به خوبی واضح می باشد که مصنّف درباره همه این موضوعات نظر دقیق و عمیق می داشته و علاقه وی به علوم عقلیه و تواریخ بسیار بوده است.

قسم «اول» از مقاله اول مشتمل است بر بیست و دو علم مانند علم فرط، انشاء، شعر، قافیه، عروض، معما، صنایع بدایع، امثال و مقامات، لغت، صرف و نحو، علم بیان و معانی، علم عقاید، الهیات و غیرهم.

قسم دوم از مقاله اول مشتمل بر یازده علم است که از این قرار است. علم قصص الانبیا درباره تاریخ ملوک فرس که قبل از عهد سید المرسلین بوده اند سپس در علم سیره النبی و بیان معجزات و ذکر معراج، واقعات غزوات نبوی و بیان اوصاف خانه کعبه. بعد از آن درباره اوصاف و احوال خلفاء تحریر نموده است. پس از آن در تاریخ بندگان حضرت صاحبقران و اولاد احفاد بزرگوار ایشان. یک باب مشتمل است بر علم انساب و یک علم مقالات عالم و یکی در علم سیر و مقامات طبقه ادنی از اولیا و غیره.

قسم اول از مقاله دوم محتوی بیست و سه باب است. چندی از آن از این قرار است. در تهذیب اخلاق، تخلیه نفس از اوصاف ذمیمه، علم معاش و حقوق والدین و اولاد، در بیان معاملات بازوجات، آداب استخدام، حقوق ممالیک، در معرفت جیران، علم مجالس و محاضر، آداب ملوک، حقوق رعایا بر ملوک و حقوق ملوک بر رعایا و غیرهم. قسم دوم از مقاله دوم محتوی است بر نوزده علم و هر علم مشتمل است بر مذهب و عقاید، فتوی و اصول فقه، توحید و غیرهم. همین طور قسم اول از مقاله سوم مشتمل است - بر دوازده علوم - این باب مشتمل است بر ذکر متصوفه، عقاید صوفیه، اصول حدیث، قواعد و اصطلاحات صوفیه، مشاهدات و علم حقیقت و غیره.

قسم دوم از مقاله سوم که قسم آخری است خیلی طویل و مشتمل است بر علوم عقلیه، چنانکه قبلاً تذکر دادم یک باب این سه مقاله چنان طویل و مفصل و مبسوط است که تعریف آنها را جدا جدا در تحریر آوردن ممکن نیست، و از آن صرف نظر می کنم فقط درباره چند علم اجمالاً تذکر می دهم و خاصه درباره اولین شعر فارسی بحث می نمایم. اول درباره علم خط است که محتوی است بر شش فصل یعنی تصویر کلمات، تحریر ترکیبات از حروف مفرده و اصول تهجی و کیفیت و غیره.

دیگر درباره علم شعر - در این باب مصنّف با تعریف شعر درباره اولین شعر و افکار و عقاید دانشوران مختلفه بحث نموده است که بعضی از اصحاب تواریخ گفته است اول کسی که به زبان سریانی شعر گفته آدم علیه السلام بود - در مرتبه هابیل که به دست قابیل کشته شده، قاسم بن سلام گفته است اول کسی که شعر عربی گفته است یعرب بن قحطان بود که از فرزندان نوح علیه السلام است.

اکثر بر این رفته اند که اول کسی که شعر فارسی گفته است بهرام گور است که بیت اولش این است:

منم آن پیل دمان و منم آن شیریله      نام من بهرام گور و لقبم بوجبله



دائرة المعارف نویسی با نگاهی به جواهرالعلوم...

و بعضی گفته‌اند که اولین شعر فارسی را ابو حفص سغدی سمرقندی گفته که چنین است:

آهوی کوهی در دشت چگونه دودا او ندارد یار بی یار چگونه رودا

بعضی قدیم‌ترین شعر فارسی را به عباس مروزی نسبت می‌دهند که در سنه یکصد و نود و سه در شهر مرو یک قصیده در مدح مامون گفته بود که مطلع آن این است:

ای رسانیده بدولت فرق خود تا فرقدین گسترانیده بچود و فضل در عالم یدین

و بعضی گفته‌اند اول کسی که قصیده گفته و بنیاد مداحی نهاده رودکی بود. اما درباره قدیم‌ترین شعر فارسی یک محقق و دانشور ایران میرزا محمد خان قزوینی در مقاله سوم از بیست مقاله بحثی مفصل نموده است. وی از کتابهای تاریخ و عربی دو فقره شعر فارسی بطور نمونه اخذ کرده است که یکی در عهد خلافت یزید بن معاویه و دیگری در عهد خلافت هشام بن عبدالملک گفته شده آن دو فقره بقرار ذیل است:

۱- آبست نبیند است

عصارات زبیبست

سمیه رو سپیند است

۲- از ختلان آمدیه - برو تباه آمدیه

آبار باز آمدیه - خشک نزار آمدیه

ذکر فقره اول در کتاب طبقات الشعرا از ابن قتیبه طبع لیدن - صفحه دو صد و ده - و

ذکر دیگری در کتاب الاغانی از ابوالفرج اصفهانی یافته می‌شوند.

مصنف جواهرالعلوم همایونی درباره شعر شاعران متعدد - مانند فردوسی، خاقانی،

نیری، فلکی شروانی، نظامی، عطار، رومی، سعدی و حافظ، خسرو، حسن دهلوی

و غیرهم - گفتگو نموده است.

در باب علم قافیه، تعریف قافیه و هر چه در این مورد لازم است مانند حروف قافیه

القاب قافیه حرکات قافیه و غیره بحث کرده است.



دائرة المعارف نویسی با نگاهی به جواهرالعلوم...

در بحث از علم عروض در باب اجزای عروض مانند اوزان بحور و ارکان بحور و غیره تذکره داده است.

در قسم دوم از مقاله، مصنف درباره آفرینش دنیا گفتگو می‌کند و می‌گوید حق تعالی جمله عالم را (زمین و آسمان، کوه، ستارگان، فرشتگان، آفتاب و ماهتاب) را در شش روز آفرید و روز آدینه آدم را آفرید و از آدم علیه السلام تا نوح علیه السلام همه احوال و واقعات ایشان را تذکر داده است.

در باب دیگر راجع به تاریخ ملوک فرس که قبل از رسول کریم بوده‌اند - پادشاهان پیشدادی، کیانیان، اشکانیان، ساسانیان و غیرهم - تذکر داده است.

در باب علم سیره النبی از ولادت فرخنده رسول کریم تا رسالت نبوی و درباره واقعه معراج و دیگر واقعات و معجزات توضیح داده است.

باب پنجم محتوی است بر احوال و اوصاف خلفای راشدین و حضرت امام حسن و امام حسین و واقعات کربلا و غیرهم.

در باب ششم راجع به آن سلاطین که بعد از عهد خلافت بودند مانند صفاریان، سامانیان، غزنویان، خوارزمیان، مغولیان و تیموریان و غیرهم مفصلاً بحث نموده است.

باب هفتم محتوی است بر احوال بندگان حضرت صاحبقران و ذکر تفویض حکومت خراسان به امیرزاده شاهرخ و میرزا بایسنقر.

در باب دهم تذکره مشایخ و متصوفه مانند ذوالنون مصری، فضیل بن عیاض، ابوسلیمان دارانی، حجة الاسلام امام غزالی و شیخ شهاب الدین سهروردی را آورده است.

ابواب دیگری را هم نوشته است که برای پرهیز از طولانی شدن مقاله از پرداختن به آن صرف نظر می‌کنم.

سه نسخه از دائرة المعارف جواهرالعلوم همایونی در کشور هند یافته می‌شود. یکی از آنها در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره در بخش مخطوطات فارسی ضبط

است و نمره آن یو. اف. هشتاد و هفت اف اف هشتصد و شانزده (UF87FF816) است و کاتب این نسخه عبدالرحمن بن نور محمد لاهوری است. بر صفحه عنوان این نسخه مهرهای شاهجهان سلیمان جاه سلطان عالم و شاه عالم ثبت است و امضای کتابداران دانشگاهای مختلفه دیگر هم در آن است. از امضایی که بر آن است معلوم می شود که این نسخه در تحویل کتابخانه شاهان دهلی و اوده می بوده است.

اصلاً این نسخه قبلاً در تحویل آقای پرفسور محمد عبدالغنی بوده و وی در کتاب خود *A History of Persian Language and Literature at the Mughal Court*, Vol. II. به معرفی این نسخه پرداخته است اما بعد از وفات پرفسور نامبرده همسرش خانم ذاکره خاتون در برابر یک هزار روپی به سال هزار و نهصد و شصت و چهار (۱۹۶۴م) نسخه را در تحویل کتابخانه مولانا آزاد داد و همین نسخه زیر مطالعه بنده می بوده است.

نسخه دیگری در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد (پاکستان) موجود است که نمره آن ۴۰/۳۰۱ است و کتابت این نسخه در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی شده است. نسخه سومی در کتابخانه خدا بخش پتنا نگهداری می شود نمره آن نهصد و ده اف. اف. نهصد و شصت و نه (910FF969) است کتابت این نسخه در قرن نوزدهم شده بود. به موجب معلومات محدوده بنده چهار مقاله در باب جواهرالعلوم نوشته شده. یکی از پرفسور عبدالغنی در کتاب وی *History of Persian Language and Literature* در جلد دوم از صفحه هفتاد و هشت تا نود و نه آمده است. دیگری از آقای محمد حسین نسیمی است که در سمینار ملی *On the History of Science in Central Asian Civilization* ایراد شده و به چاپ هم رسیده است.

علاوه از این مقاله ای دیگر مشتمل بر باب راضی از پرفسور دکتر نبی هادی رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه اسلامی علیگره (A.M.U.) و این مقاله در مجله

دائرة المعارف نویسی با نگاهی به جواهرالعلوم... در جلد نهم چاپ شده است و پرفسور رضاء الله انصاری ضمیمه ای بر مقاله پرفسور نبی هادی سردبیر مجله اضافه نموده است.

یک مقاله از خانم منصوره حیدر پرفسور بخش تاریخ دانشگاه اسلامی علیگره که در سمینار کتابخانه رضا رامپور ایراد نموده.

در این مقالات فقط ذکر فهرست ابواب کتاب آمده است اما کاری مفصل نشده است. حالا بنده سعی ناچیزی می کنم تا در مورد کتاب جواهرالعلوم همایونی کار تحقیقی و مفصلی عرضه کنم و برای این طرح از U.G.C. یک Project گرفته ام تا برای این کار را به صورت تحقیقی انجام بدهم.

\*\*\*



روستای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی